

بقلم مدیر مجله

(خلافت و ولایت)

و الحمد لله رب العالمین و الصلاه والسلام علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

در شماره قبلی راجع بنامه آقای عمر فاروق مطالبی نوشته بودیم که مورد ایراد بعضی از اشخاص واقع شده بود و در مطالب ما خدشه کرده بودند و حال آنکه نظر آنان بکلی اشتباه بوده زیرا از مقاله چنین فهمیده بودند که نویسنده مقاله مجتهد اعظم شافعی را مشرک دانسته و این اشتباه از نقل اشعار منسوب بشافعی کفی فی فضل مولانا علی و وقوع الشک قبه انه الله و مات الشافعی و لیس یدری - علی ربه امربه الله - ناشی شده بود .

و حال آنکه مقصود نویسنده از نقل این اشعار غلو شافعی در مدح مولا امیرالمومنین (ع) و نظرش این بوده که جز عبارات و الفاظی که درباره خداوند سرائیده میشود جملات متناسبی نمی یابد که درباره حضرت مولی المتقین بکاربرد اگر نعوذ بالله نویسنده عقیده بشرک شافعی داشت که دیگر نظرش در مفاد اشعار به نظر مسلمان موحد ارزشی نداشت که بتوان بدان استناد کرد بهر حال ما از بحث در این گونه امور با اشخاص خودداری. ولی در عین حال اگر مقالات موجهی بنویسند در مجله تاریخ اسلام منتشر خواهیم کرد .

و حال هم برای استفاده اشخاص ساده و فهم عمومی مطالبی از کتاب ساده فارسی الخلافة را که بر ای هر کس تهیه و مطالعه آن از حیث قیمت کتاب و وقت

مطالعه امکان دارد و بطور کلی از منابع علماء و مجتهدین اهل جماعت و عامه اقتباس و نوشته شده بصورت یکمقاله نقل می نماید که اگر اشخاص غیر متعصبی خواسته باشند که در واقع مطالب صحیح را از سقیم تشخیص بدهند بدان مراجعه نمایند و ما توقع نداریم که عامه مردم وقت مطالعه و قوه درک مطالب کتاب عظیم الغدیر و یاعیقات و یا شب های پیشاور را که جنبه علمی دارند داشته باشند ولی مطالعه کتاب الخلافه تألیف آیت الله مدنی کاشانی که جمعاً ۱۲۰ صفحه و بفارسی ساده از مدارک و منابع اهل جماعت اقتباس و نقل شده است با عبارات ساده و الفاظ روان مصطلح عموم مردم نوشته شده است که مطالعه آن برای کسی شبهه باقی نمیگذارد این کتاب شریف مشتمل بر چهار فصل است فصل اول در احادیثی است که علماء اهل جماعت در کتب خود مشعر بر خلافت بلا فصل حضرت مولی المتقین امیر المومنین علی (ع) نقل نموده اند و بحدی صریح است که هیچ کس نمی تواند در مفاد آنها خدشه و ایرادی وارد نماید - و این فصل مشتمل بر ۸۰ حدیث است که قبلاً عین عبارات عربی نقل و بطور سلیس ترجمه شده است و مؤلف محترم مختصر تصرفی در مفاد احادیث منقوله از شخص حضرت رسول الله الاعظم صلوات الله و سلامه علیه ننموده و آنچه الفاظ عربی مفاد و معنا داشته بفارسی نقل کرده است فصل دوم در اخبار و احادیثی است که دلالت صریح دارد بر اینکه اولولامر علی امیر المومنین و اولاد او هستند این احادیث نیز بطریق فصل اول تنظیم و ترجمه شده و مجموع آنها بیست و چهار حدیث است که ناقلین آنها از موثقین مسلم و محقق اهل جماعت و عامه بشمارند .

فصل سوم در اخبار و احادیث که دلالت بلکه صراحت در ولایت مطلقه حضرت امیر المومنین علی علیه السلام دارد و این فصل رادر چهار مقام تشریح کرده است یعنی بمناسبت آیات قرآن و احادیث و معنی مولی و رویه و اعمالی که در زمان خود حضرت رسول الله الاعظم صلوات الله علیه بعمل آمده بچهار دسته تقسیم نموده و عین عبارات و رویه ها را بخوبی تفصیل داده است.

مقام اول در تفسیر آیه شریفه شصتم از سوره مائده است که در موقع اعطاء خاتم بسائل شرف نزول یافته و دلالت صریح بر ولایت مطلقه حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام داشته و ولایتش از قبیل ولایت مطلقه خداوند متعال و رسول الله اعظم است که شیخ جلیل علامه محمد ابراهیم الحمونبی یکی از بزرگان علماء اهل جماعت در صفحه ۲۴ کتاب فرائد السمطین فی تفضیل مناقب المرتضی والزهرا والسبطین حق سخن و تحقیق را بعمل آورده این کتاب نفیس خطی در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است. و علاقمندان بدون هیچ گونه تشریفات می توانند مراجعه نمایند.

مقام دوم- در احادیثی است که از لفظ مولی و ولی ولایت مطلقه امیر المومنین استفاده شده و در این باب چهارده حدیث است که دو حدیث از خصائص و فرائد السمطین و مجمع الزوائد و باز از خصائص صفحه ۲۱ و اسد الغابه صفحه ۳۰۸ و مناقب خوارزمی صفحه ۹۳ و البدایة و النهایة صفحه ۲۰۹ و از ارجح المطالب صفحه ۵۴۷ بتاییح الموده صفحه ۲۵۰ و خصائص النسائی صفحه ۳۲ و صفحه ۵۴ که تمام این کتب از علما بزرگ اهل جماعت است که ولایت مطلقه مولی علی را بطور وضوح و مسلم با ذکر این مراتب تجسم نموده است.

مقام سوم- چون بعضی از متعصبین در معنی ولی و مولی تشکیکاتی نموده اند در معنی ولی و مولی سخن سرائی نموده و با استفاده از قرائن حالیه و مقالیه بطور قطع و حزم ثابت کرده که مقصود از استعمال این کلمات ولایت و خلافت است، و چنین تشریح کرده که در جاهائی که نسبت بحضرت علی بن ابیطالب علیه السلام کلمه مولی و ولی استعمال شده. اگر معنی ناصر و دوست گرفته شود اساساً عبارت غلط و جمله بدون معنی میشود متناسب والی و حاکم و خلیفه است و عباراتی از قرآن مجید این استنباط را تائید می نماید مانند آیه شریفه انما ولیکم الله الا آخر و حدیث من کنت مولیه فهذا علی مولیه و بیعت گرفتن از مسلمانان برای علی و حتی زنان پیغمبر و تبریک مخصوص عمر بن الخطاب اصبححت مولای و مولا کلی مومن و مومنة و اصابت سنگ بر سر حرث بن نعمان قهری که انکار ولایت علی را نموده بود و نزول آیه

شریفه سئل سائل بعداب واقع ومانند عبارت قبل از اعلام ولایت الست اولی یکم من انفسکم واستفاده از آیه شریفه النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم وازوجه ایهانهم و نزول آیه شریفه الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دیناء یعنی امروز دین شما را بانصب خلافت حضرت امیرالمؤمنین تکمیل کرده ونعمت را بر شما تمام کردم و خطاب حضرت رسول اکرم(ص) بمسلمانان بدین عبارت الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة ورضی الرب برسانی و ولایة علی بن ابیطالب من بعدی من کنت مولیه فهذا علی مولاه و آیه شریفه یاایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس - اگر مقصود فقط ابلاغ دوستی علی بوده خداوند قادر متعال تاابن حد (عدم تبلیغ رسالت) تأکید نمی نمود .

چنانکه درشواهدالتنزیل تألیف حاکم حسکانی از ابن عباس وجابر بن عبدالله انصاری روایت شده که خداوند حضرت رسول اکرم را مأمور نموده که علی را بولایت بعد از خود نصب وبمردم اعلام کند و آنحضرت نیز بمفاد وحی ومأموریت خود اقدام و در کتاب در المنثور جلد دوم از ابو سعید خدری بدین عبارت نقل شده که پیغمبر روز غدیر علی را بولایت بعد از خود نصب کرد و خود بشخصه ولایت آنحضرت را اعلام وعملا امر به بیعت نموده و جای مختصر شك و تردیدی برای احدی باقی نگذارد .

مقام چهارم - در اخبار وارده در مواقع دیگر که مراتب فوق را تأیید و تأکید مینماید مانند مستند احمد بن حنبل رئیس یکی از مذاهب چهارگانه ابداعی خلفاء عباسی (قادر عباسی) که میگوید راوی خبر ابن نمیر قسم یاد کرده که از ۱۳ نفر از معاصرین حضرت رسول شنیده است که پیغمبر علی را بخلافت و ولایت بعد از وفات خود نصب نموده ودر تأیید این مقام یکصد ده حدیث تماماً از علماء اهل سنت وجماعت نقل نموده که با عبارت ومفاد وفحوی یکدیگر را تأیید مینماید .

فصل چهارم - در اخباری است از طریق عامه وارد شده دایره این که خلفای پیغمبر خاتم(ص) دوازده نفرند ودر این باب چهارده حدیث است که تماماً دلالت

بر صحت مذهب جعفری دارد زیرا در هیچ يك از مذاهب اسلام خلفاء دوازده نفر نیستند بجز مذهب شیعه که اولین از ائمه مولی امیرالمؤمنین و آخرین آنان حضرت مهدی صاحب العصر و الزمان و خلیفه الرحمن صلوات الله علیهم میباشند چه در مذهب عامه ائمه (خلفاء) چهار نفرند و در مذاهب زیدیه و اسمعیلیه که عقاید و رویه آنان نه با کتاب و نه با سنت و نه با اخبار هیچکدام تطابق ندارد و آنان نیز راه خطا پیموده اند ائمه آنان حد و حساب ندارد - پس ثابت و محقق میشود که مذهب مرضی خداوند قادر متعال همان مذهب شیعه امامیه است .

و از مجموع این مطالب استفاده میشود که اتحاد عقاید و رویه مسلمین امروز مطلوب و برای بقاء و عظمت مسلمانان نهایت درجه لزوم را دارد لذا ما از برادران اهل جماعت خود انتظار داریم که با نظر بیغرضی باین مطالب توجه کرده و بدون جهت فقط بسبب تعصب از مطالب مؤید اهل بیت طهارت انتقاد ننمایند چنانکه ما از تمام این اخباران قسمت‌هایی که تاحدی خوش آیند برادران عامه ما نیست درج نکرده و همان قسم که سابقاً در مقالات تذکره داده شده ما خلافت را امری خدائی دانسته و معتقدیم که حضرت رسول اکرم (ص) بحکم خداوند متعال علی را بخلافت و ولایت مسلمانان نصب نموده است ولی چون مسلمانان حاضر در مدینه با کثرت صلاح دیدند که ابوبکر مقام خلافت را اشغال کند و او نیز عمر را نصب کرد و عمر بوسیله شوری عثمان را انتخاب کرد ما به آنان هم بنظر احترام نگریسته و میگوئیم حساب آنان با خدا است اینکه بعضی از برادران عامه ادعا کرده اند که شیعیان نسبت بخلیفه ثانی عمر خطاب لعن کرده و عمر کشان و مراسمی برپا میدارند اشتباه صرف است زیرا مقصود عوام الناس شیعه از این کار عمر سعد کشنده نوباوه حضرت رسول اکرم است و آنهم حالیه متروک شده است .

و با اینکه میگویند در اهل جماعت و سنت نامهای اهل بیت مانند علی و حسن و حسین زیاد گذارده میشود ولی شیعیان نام عایشه و عمر باولاد خود نمیگذارند این مطلب هم بدون مطالعه است زیرا یکی از خانواده‌های رجال زمان قدیم و فعلی که دارای شخصیت مهمی بوده و هستند مانند مرحوم خلد آشیان فرمانفرما پسری

بنام عمرو لقب فاروق و دختری بنام عایشه و ملقب بحمیرا دارد پس ادعای بی‌لطفی شیعیان نسبت به برادران عامه بی‌موضوع است بلکه این برادران عامه ما هستند که گاهی شیعیان را تکفیر و گاهی بت پرست مینامند و وقتی با فضلاء آنان مواجه می‌شویم داد اتفاق و اتحاد می‌زنند اما در عمل اثری از این ادعاها دیده نمی‌شود. هر روز در جراید و کتب خود مطالب نیش‌دار مینویسند.

همین روزها کتب و مجلاتی از نویسندگان عامه دیده شده که همان رویه سابق را تعقیب میکنند چنانکه جهان نامی اخیراً بی‌حیائی را از حد گذرانده و نسبت به مقدسات مذاهب شیعه جسارت نموده بدین عبارت که می‌گوید در اواخر دوره اموی و اوایل دوره بنی‌عباس شخصی از پیشوایان شیعه بنام جعفر پیدا شد.

و تمام مقررات دین اسلام را تغییر داد شما را بخدا انصاف دهید که اجتهاد علماء اربعه مذاهب عامه که مدتها بعد از طلوع اسلام متولد شده‌اند بدون اشکال معرفی شده و هیچ یک از علماء و بزرگان شیعه بر آنان ایرادی ندارد و یا سیاستاً برای حفظ نزاکت ایرادی نمی‌کند ولی یک نفر از اهل جماعت و سنت که چهارده قرن بعد از طلوع اسلام زیست میکند بفرمایشات حضرت امام باحق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام که بنقل از پدرش امام محمد باقر که او نیز از پدرش حضرت امام زین‌العابدین و او نیز از حضرت امام حسن و امام حسین پدر و عمویش از حضرت امیرالمؤمنین علی و جدده اش صدیقه کبرا فاطمه زهرا صلوات‌الله‌علیهم از حضرت رسول‌الله الاعظم مقررات دین اسلام را نقل میکند بعقیده جهان ناصبی تغییرات در دین اسلام قلمداد می‌شود ولی ناقلین از امام‌المؤمنین عایشه و انس ابن مالک دربان حضرت رسول و ابوهریره دوسی که بعلمت دروغ‌گوئی بدست خلیفه ثانی عمر خطاب تازیانه می‌خورد مقررات دین اسلام را صحیح نقل میکند. بین تفاوت‌ره از کجاست تا بکجا خداوند رحمت کند اشخاصی را که اقوال مختلفه را استماع کرده و بعد نیکوتر آنها را متابعت بنماید.

علی‌اکبر تشید